

شاهین نیمه شب

دیوید گیل
ژاله فراهانی



Gemmell, David

گمل، دیوید،

شاهین نیمه شب، نویسنده دیوید گمل، مترجم ژاله فراهانی

هران: کتابسرای تندیس، ۱۳۹۶

۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۲۷۳-۵

Midnight falcon, c 1999

عنوان اصلی

داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰

English fiction - 20th century

فراهانی، ژاله، ۱۳۶۴ - مترجم

PZ ۳ / گ ۸۲۳ ش ۲ ۱۳۹۶

۸۲۳ / ۹۱۴

۴۷۴۵۷۴۴



کتابسرای تندیس

فروشگاه: تهران خیابان ولی عصر نرسیده به استاد مطهری شماره ۱۹۷۷
دفتر: تهران، خیابان ولی عصر نرسیده به استاد مطهری کوچه حسینی راد پلاک ۱۰ واحد ۲
فروشگاه: ۸۸۸۹۳۹۱۷ - ۸۸۸۹۳۸۰۹ دفتر و دورنگار: ۸۸۹۱۳۰۲۸ - ۸۸۹۱۳۰۸۱
Telegram: telegram.me/tandisbook Instagram: ketabsaraye_tandis
E-mail: info@ketabsarayetandis.com www.ketabsarayetandis.com

شاهین نیمه شب

نویسنده: یوید لعل

مترجم: ژاله فرحانی

صفحه آرا: اکرم سرسبز

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶

تیراژ: ۷۰۰

چاپ: غزال

صحافی: نبوت

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۸۲ - ۲۷۳ - ۵

ISBN: 978 - 600 - 182 - 273 - 5

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد

مقدمه مترجم

نام دیوید گمل برای هر کسی که حتی یک کتاب از او خوانده باشد، فراموش نشدنی است. استارهای فانتزی — حماسی او اغلب شرح قهرمانی‌ها و طبیعت متغیر انسان در مواجهه با شرایط مختلف است. اینکه چطور اتفاق یا موقعیتی جنایتکاری را به یک قهرمان یا قهرمانی را به یک مجرم مبدل می‌سازد. تمام قهرمان‌های گمل در تنگنای همیشگی با خیر و شر به سر می‌برند و این پرسش همواره مطرح است که کدام یک از این دو نیرو در وجود شخصیت، زمینی مستعد رشد و بالیدن می‌یابد؟ این کتاب برای درک بهتر قهرمانان او، پر بیراه نیست اگر شرح مختصری از زندگی این نویسنده بخوانیم:

دیوید آندرو گمل (۱ اوت ۱۹۴۸ لندن — ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۶ هستینگز) کودکی بسیار سختی در محله‌های دورافتاده‌ی لندن داشت. تا شش سالگی مادرش به تنهایی او را سرپرستی نمود. او که طبع ظریفی داشت و خواندن کتاب را به دعوا ترجیح می‌داد، در این دوران مرتب درگیر نزاع‌های خیابانی و اسیر دست زورگویان محل می‌شد تا اینکه ناپدری‌اش او را مجبور به نام‌نویسی در یک دوره‌ی مشق‌زنی کرد و یادش داد از خودش دفاع کند. همین ایده، نقطه‌ی عطف بیشتر داستان‌های اوست. بعد از این ماجرا، وی روی دیگری از

زندگی را شناخت تا آنجا که در شانزده سالگی به دلیل راه انداختن یک باشگاه قماربازی از مدرسه اخراج شد.

چند سال بعد مادرش ترتیب حضور او در یک مصاحبه شغلی با سمت ویراستار روزنامه را داد و در آنجا به قول خود وی، گستاخی‌اش را حمل بر اعتماد به نفس کردند و او را پذیرفتند. پس از آن چندین سال به این شغل ادامه داد و به مقام سرویراستاری نیز رسید. بعد از مدتی اولین داستان خود را نوشت که سپس انتشار نیافت.

مدتی بعد پزشکان برای او تشخیص سرطان دادند و این تشخیص موجب شد ارزی نویسنده حداقل یک کتاب قبل از مرگ را در سر پیروراند. وی بیماری سرطان را نسبت به نوشتن رمانی به نام محاصره‌ی دروس دلنوچ^۱ نمود که نیروهای مهاجم در این داستان، نماد بیماری سرطان و پایداری قلعه، استعاره‌ای از بدن خود او بودند. پایان داستان را هم به تشخیص نهایی پزشکان وانهاد و وقتی سرطان او را خوش‌نام تشخیص دادند، پایان خوشی بر آن نوشت. این اثر بعدها به تشویق یکی از دوستان، بازنویسی و بازخوانی شد و به عنوان اسطوره^۲ در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسید که به گفته‌ی بسیاری از منتقدان بهترین اثر او نیز محسوب می‌شود.

پس از آن وی کار نویسندگی را جدی گرفت و بعد از کتاب سومش یعنی آواره^۳ به دلیل اینکه از اسم همکارانش برای شخصیت‌های داستان استفاده کرده بود، از کار اخراج و نویسنده‌ای تمام‌وقت شد. وی تا پایان عمر سی داستان نوشت و سرانجام نیز پشت میزش موقع کار روی قسمت سوم سه‌گانه‌ی نبرد تروا^۴ چهار روز قبل از تولد ۵۸ سالگی ایست قلبی نمود. قسمت

1. Dros Delnoch

2. Legend: این کتاب به فارسی ترجمه شده و توسط کتابسرای تندیس به چاپ رسیده است.

3. Waylander

4. (جلد اول کتاب توسط انتشارات کتابسرای تندیس و تحت عنوان ارباب کمان نقره‌ای به چاپ رسیده است).

سوم این کتاب با استفاده از یادداشت‌ها و طرح داستان، توسط همسر وی تکمیل شد و یک سال پس از مرگش (۲۰۰۷) با عنوان *سقوط پادشاهان*^۱ به چاپ رسید.

مجموعه‌ی چهار جلدی ریگانت، طی چهار سال (۱۹۹۹ – ۲۰۰۲) منتشر گردید که شرح زندگی قبیله‌ای به نام ریگانت با باورها و سنن باستانی است که زمین و جادوی آن را پاس می‌دارند و در تعامل کامل با طبیعت روزگار می‌گردانند. مردم شجاعی که اغلب گله‌دار و کشاورزند، اما اگر پای متجاوزی به سرزمینشان باز شود، از قهرمانی و دلاوری روی گردان نیستند.

در این بین، دشمن مقتدری در سرزمین‌های آن سوی آب‌ها، با طمع زمین و طلای بیشتر با آن‌ها، فنون رزمی منسجم به جنگ‌افروزی می‌پردازد، زنان و کودکان را سلاخ می‌کند، مردان را به اسارت و بردگی می‌برد. این دشمن که در کتاب اول یعنی *سیر بر رافان*^۲ تا مرزهای ریگانت پیش آمده، یک بار به دست قهرمان ریگانت، شاه کانوار اکست، خورده است، اما تهدید حضورش مثل آتش زیر خاکستر کماکان پابرجاست.

البته شاهین نیمه‌شب قصه‌ی کانوار نیست، بلکه حول زندگی بن، پسر او از عشق اولش، آریان می‌گردد. بن که به دامن عذاب وجدان شاه کانوار، بدون حمایت و پذیرش او بزرگ شده و کم‌کم از پدر خود متنفر شده است...